



اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

**منصور حکمت**

**انترناسیونال**

**هفتگی**

بنیانگذار: منصور حکمت

**حزب کمونیست کارگری ایران**

**سردبیر: فاتح بهرامی**

haftegi@yahoo.com  
Fax: 0044-870 120 7768

**۱۵۱**

۱ فروردین ۱۳۸۲

۲۱ مارس ۲۰۰۳

**جمعه ها منتشر میشود**

**www.haftegi.com**

**دفتر مرکزی حزب**

Tel: 0044-795-051-7465  
Fax: 0044-870-135-1338  
markazi@ukonline.co.uk



**پیام تبریک سال نو  
به مردم ایران**

**مردم آزادیخواه ایران**

فرارسیدن سال نو را از طرف رهبری حزب کمونیست کارگری ایران به شما تبریک میگویم.

متأسفانه امروز در شرایطی سال نو را جشن میگیریم که جهان و بویژه منظمی که ما در آن زندگی میکنیم دستخوش یکی از شنیعترین و مخربترین جنگها است که طی آن مردم شریف و زحمتکش در عراق قربانی حمله وحشیانه ارتش آمریکا شدهاند. حمله آمریکا به مستقما علیه مبارزه همه انسانهای شریف و آزادیخواه در جهان و از جمله در ایران است. ما همدوش با میلیونها مردم آزادیخواه جهان که علیه این سلطهجویی و قدر قدرتی آمریکا و در حمایت از مردم عراق به اعتراض برخاستهاند این جنگ را محکوم میکنیم و خواهان قطع فوری جنگ و خروج نیروهای آمریکا از منطقه هستیم. قلب همه ما در این لحظات سخت با مردم عراق است.

در سال گذشته جمهوری اسلامی با جناح راست و غیر راستش صریح و روشن از شما مردم ایران یک جمله روشن را شنیدند: مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی و برابری. جمهوری اسلامی رفتنی است. باید این رژیم پوسیده را برچید. سال ۱۳۸۲ باید سال سرنوینی جمهوری اسلامی و سال جشن آزادی و رهائی باشد. سال بنیاد نهادن جامعه‌ای که در آن انسان، حق انسان، و شادی و سعادت انسان مینا است. جامعه انسانهای آزاد و برابر. به امید سال پر از شادی و سعادت برای همه شما،

**کوروش مدرسی**

۱ فروردین ۱۳۸۲

## اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران درباره حمله آمریکا به عراق

نماینندگان وجدان انسانی به مردم حقه کنند. دولت عراق جنایتکار است. در این تردیدی نیست. اما آمریکا، این دادستان و قاضی خودگمارده، خود متهم ردیف اول است. این جنگ برای آزادی مردم عراق نیست. تنها جنایتکاران سایکوپت میتوانند ادعا کنند که با گرسنگی دادن و کشتار هزار هزار مردم آنها را آزاد میکنند. قرار است عراق اشغال شود و برای یک دوره طولانی بلا تکلیفی و هرج و مرج به مردم عراق تحمیل شود و ژنرالهای آمریکائی، دولت دست نشانده آمریکا و یا ائتلاف داروستانهای فاشیست و اسلامی سرنوشت مردم عراق را بدست بگیرند. قرار است سرنوشت مردم عراق از جنایتکاری به جنایتکار دیگری سپرده شود و مردم عراق به تباهی کشیده شوند. این جنگ



آشکار دولتی است. این جنگ درباره سلاحهای کشتار جمعی نیست. دولت آمریکا تنها بکار گیرنده سلاح هستهای علیه مردم است. دولت آمریکا بزرگترین زرادخانه سلاحهای هستهای، شیمیائی و بیولوژیک را در اختیار دارد و هر وقت منفعتش ایجاب کرده از بکار گیری آنها دریغ نکرده است. هیروشیما، ناکازاکی و ویتنام شاهد هستند. آمریکا طی ۱۲ سال گذشته مخرب ترین سلاح کشتار جمعی یعنی محاصره اقتصادی را علیه بی دفاعترین مردم عراق بکار گرفته است. امروز بعد از ۱۲ سال حتی دیگر ژورنالیسم نوکر و میببای سخنگوی منافع سرمایه داران، بی بی سی ها و سی ان ان ها نمیتوانند قاتلین توده ای مردم هیروشیما و ناکازاکی، جنایتکاران جنگی ویتنام و عراق و مرعوب کنندگان و سرکوبگران آزادی و سعادت انسانی طی نیم قرن گذشته را بعنوان

صبح امروز، بیستم مارس، دولت آمریکا جنگی خونین و وحشیانه علیه مردم عراق را آغاز کرد. دولت آمریکا بعد از تحمیل ۱۲ سال گرسنگی، فقر و استیصال به مردم عراق آنها را به کشتارگاه میراند. قرار است تنها چند صد هزار نفر از مردم عراق، بزرگ و کودک و پیر و جوان، قربانی منافع آمریکا شوند، بلکه نسلهای آینده مردم این کشور نیز در راه منافع آمریکا به تباهی کشانده شوند. جنگی که آمریکا ۱۲ سال پیش آغاز کرد امروز وارد مرحله جدیدی شده است که جغرافیای سیاسی جهان را تغییر خواهد داد. قلدری، ارباب، تروریسم، گسترش و بکار گیری سلاحهای کشتار جمعی را به نرم عادی جهان تبدیل خواهد کرد. دولت آمریکا جهان را بسوی تباهی سوق میدهد. این جنگ درباره تروریسم نیست. این جنگ خود تروریسم و ارباب

## هجوم آمریکا به عراق: جنگ نوین جهانی!

**حمید تقوائی**



ساعت اول جنگ باندازه تمام دوره جنگ اول خلیج بر سر مردم عراق بمب خواهند ریخت. این یک توحش تمام عیار است که در تاریخ نظامی معاصر بی همتاست. این رجعت به دوران مغول و چنگیز و آتیلست و دقیقا همین توحش است که دولت آمریکا و دکترین نظم نوین جهانی به آن نیازمند است.

**نظم نوین جهانی و استراتژی حمله پیشگروانه**

هدف از این توحش چیست؟ خلع سلاح دولت عراق؟ برکنار کردن یک رژیم دیکتاتور؟ آزادسازی مردم عراق؟ این نوع بهانه ها را دیگر حتی رسانه های سر سپرده غربی نیز جنی نمیگیرند. ده ها میلیون



**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**

دولت عراق، نه به کسی اعلام جنگ کرده است و نه حتی، برخلاف سال ۹۱، بهانه آغاز جنگ به کسی داده است. با این وجود طرف دیگر، دولت آمریکا، و بدنبال او انگلیس، راسا و یکجانبه و با زیر پا گذاشتن تمام نهادها و موازین بین المللی که تا دیروز خود را به آن متعهد میدانستند، "جنگ" خود را نه در جبهه ها و علیه سربازان دشمن بلکه با موشک باران بغداد آغاز میکند. این تازه شروع کارست. مقامات و رسانه های آمریکایی اعلام کرده اند که "حمله اصلی"، حمله ای که بقول رامسفلد وزیر دفاع آمریکا نظیرش را هنوز دنیا بخود ندیده است، هنوز آغاز نشده است. میخواهند کشور عراق را به شکل بیسابقه و بینظیری بر سر مردمش خراب کنند. اعلام کرده اند که در ۴۸

وقوع فاجعه ای که چندین ماه جهانیان را در هراس نگاهداشته بود بالاخره با شلیک موشکهای کروز به بغداد در صبح روز بیست مارس آغاز شد. این روز را باید بعنوان روز حمله به بشریت در تاریخ معاصر به ثبت رساند. آنچه آغاز شده است یک جنگ به معنای متعارف معاصر آن نیست، یک جنایت آشکار و عریان است. این جنگی است که یک طرف آن مهیب ترین و عظیم ترین ماشین جنگی که جهان بخود دیده است قرار دارد و طرف دیگر آن مردم بیگناه و بی پناه کشوری که ۱۲ سال است در زیر فشار تحریم اقتصادی درهم کوفته شده اند. این را حتی تجاوز و یا جنایت جنگی نمیتوان نامید. اینها عمق جنایت و توحشی که دارد اتفاق میافتد را بیان نمیکند. یک طرف این "جنگ"،



## جنگ نوین جهانی!

در دنیای نوین را جدا زیر سؤال میبردند. ۱۱ سپتامبر نقطه اوج و در عین حال نقطه عطف این جهان تیره پسا جنگ سردی بود. نظم نوین جهانی، بوسیله تروریسم اسلامی، جریانی که خود محصول مستقیم جهان بعد از جنگ سرد بود، به مصاف طلبیده شد و ناگهان ارتجاع "مدرن" قرن بیست و یکمی آمریکا خود را مستقیماً رودرروی ارتجاع مذهبی قرون وسطایی یافت. این محل مناسب و زمینه مشروع و ظاهر فیزی برای بازگشت به دکترین نظم نوین جهانی بدست میداد. فرصتی بسیار مساعدتر از حمله عراق به کویت، استراتژیستهای دولت رو به افول بوش به سرعت این فرصت را قاپویدند. جای خالی شوروی، امپراتوری شر، با "محور شر" پر شد و تجاوز نظامی به هر کشوری که شر ارزیابی شود نام "حمله پیشگیرانه" گرفت. عراق در مرکز این محور شر بود. به نوشته روزنامه های آمریکائی طرح حمله به عراق یک هفته بعد از ۱۱ سپتامبر روی میز بوش قرار داشت. و امروز، با پیاده کردن این طرح، آمریکا بعنوان امپراتور دنیای نوین دوباره قدم بمیدان گذاشته است.

اساس تر "حمله پیشگیرانه" هجوم و تجاوز به هر کشوری است که سیاست خارجی آمریکا اقتضا کند. هر کشوری که از سیاستهای جهانی آمریکا تبعیت نکند، و هر دولتی که به هر دلیلی مورد تأیید آمریکا نباشد میتواند مورد هجوم پیشگیرانه قرار بگیرد. این در عرف و سیاست و موازین بین المللی همانقدر پوچ و مسخره است که در قوانین جنایی کسی را بخاطر نیت و قصد به جنایت مجازات کنند. هم اکنون با "حمله

پیشگیرانه" به عراق جامعه ای را بخاطر اینکه ممکن است دولت آن در آینده از سلاحهای کشتار جمعی استفاده کند دارند با مهیب ترین سلاحهای کشتار جمعی میکوبند و هنوز جانی، محور شر، و آنکه صلح و امنیت دنیا را بخاطر انداخته کشور مورد هجوم است و نه نیروی مهاجم! تمام حسن و ارزش مصرف تر حمله پیشگیرانه در همین منطق واژگونه و دلخواهانه آنست. این منطق نیرویی است که از موضع رهبر جهان به جنگ میروند.

### جنگ از موضع رهبر

آمریکا برای تثبیت سرکردگیش بر دنیا بجز زور نظامی راه دیگری ندارد و دکترین حمله پیشگیرانه اجازه میدهد این زور را تنها به تشخیص خودش و هر جا لازم بود به کار ببرد. این خواست و اراده دولت آمریکاست، و نه هیچ معیار و موازین رسمی و حقوقی جهانی، که تعیین میکند با که و چه وقت باید وارد جنگ شد. جنگی که هدفش تأمین رهبری بر جهان است ناگزیر باید به همین شیوه، یعنی از موضع یک رهبر صورت بگیرد. فعال مایشانی و خودسری ذاتی این نوع جنگ طلبی است.

جزء دیگر این استراتژی قدرت نمائی، حمله با تمام قوا، با آخرین و پیچیده ترین سلاحها، به ضعیف ترین دشمنان است. جنگ باید به یک شوی تمام عیار از برج کشیدن قدرت نظامی به همه جهانیان تبدیل شود. جنگ اول خلیج، جنگ افغانستان و جنگ امروز آمریکا در عراق، همه نمایش مهوعی از قدرتمنائی نظامی هستند. هم طالبان را میشد از راههای بمراتب ساده تر و

سراست تری بزیر کشید و هم خلع سلاح صدام بلون هجوم نظامی به عراق ممکن بود. اما این شیوه های "بی شکوه" و آرام هدف آمریکا را تأمین نمیکند. هدف کسب رهبری است و خود جنگ بیش از نتیجه آن به تأمین این هدف خدمت میکند. این که آمریکا شورای امنیت و سازمان ملل را دور میزند، اینکه موافقتن آمریکا در این جنگ، همانطور که حتی مطبوعات انگلیس موافق سیاست پلر به گلایه مطرح کرده اند، دنباله روان آمریکا محسوب میشوند و نه متحذین همراز او، و بالاخره این واقعیت که جنگ رسماً و علناً با هدف تغییر رژیم صورت میگیرد و نه خلع سلاح و هیچ بهانه دیگری که قبلاً عنوان شده بود، همه اینها اجزای لاتیجراحی جنگ از موضع رهبری است. این خود جنگ، نحوه شروع و شکل تداوم و ختم آنست که قرار است مهر امپراتوری آمریکا را بر نظم نوین جهانیش بکوبد. توحش و عدم پایبندی به معیارهای انسانی و حقوقی جزء اشتباهات و عوارض جنگهای این دوره آمریکا نیست، جزء لازم و ذاتی آنست، اما آمریکا، نظیر همه امپراتورها، در پیشبرد نقشه های جهانگشایانه اش یک فاکتور را نادیده گرفته است: فاکتور مردم.

### مردم بمیدان میانند

یک تفاوت اساسی شرایط امروز با وضعیت دنیا در مقطع جنگ خلیج آگاهی و هشجاری مردم جهان است. در مقطع جنگ اول خلیج دنیا هنوز شوکه تر از آن بود که مقاومت چندانی در برابر لشکرکشی آمریکا به عراق از خود نشان بدهد. مردم مبهوت و مرعوب جشن

دموکراسی بازار آزاد بر خرابه های دیوار برلین، اگر خود توحمی به دنیای نوین نداشتند، به هرحال نظاره گر خاموش اوضاع بودند. اما این رخوت دیری نپائید.

بزودی معلوم شد جهان پس از جنگ سرد، جهان بی نظمی نوین است، جهان مافیایی روسی، تروریسم اسلامی، و ناسیونالیسم و قومپرستی افراطی در چهار گوشه دنیاست. جهان ناچریسم و ریگانسیسم، طالبان و جمهوری اسلامی، و بوش و اسامه بن لادن و تونی پلر است. جهانی که در آن چپ و ایده های آزادیخواهانه چپ را منزوی کرده اند و در فرهنگ و هنر و سیاست ارتجاعی ترین نظرات و نیروها میداندار شده اند. جهان سرمایه افسار گسیخته و توحش بازار آزاد سرمایه داری.

رد کردن این نظم نوین و اعتراض به آن زمینه اصلی و مبنا و اساس جنبش عظیمی است که امروز در برابر جنگ شکل گرفته است. این جنبشی است در ابعاد ملیونی و به پهنه همه دنیا. دنیای متملنی که منصور حکمت در پی ۱۱ سپتامبر خطاب قرار داده بود امروز بمیدان آمده است. این جنبش نه تنها قادر است جنگ را متوقف سازد و یا پیروزی نظامی آمریکا را به یک شکست مفتضحانه سیاسی تبدیل کند، بلکه میتواند طلبه مبارزات وسیعتر اجتماعی در برابر کلبت جهان سرمایه داری باشد. باید به استقبال این جنبش رفت و رهبری و سازماندهی کرد. هیچگاه مانند امروز دنیا تشنه سوسیالیسم نبوده است.

## سوسیالیسم، پیش از هر زمان نیاز بشریت امروز است!

نظام فقر و تباهی، این نظام بوش و بلرها و شارون ها و صدام ها و آیت الله ها، شایسته هیچ بشری نیست. جهان، بیش از هر زمان دیگر، به سوسیالیسم مارکس نیاز دارد.

اختیار انسان باید به انسان بازگردد. این، فقط و فقط، در گرو سوسیالیسم است!

### زنده باد مارکس!

### زنده باد سوسیالیسم!

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۸ مارس ۲۰۰۳

به پیشنهاد لیبر حزب و با رای اعتماد دفتر سیاسی، هیات دبیران حزب به شرح زیر تعیین شد:

- ۱- اصغر کریمی، رئیس هیات دبیران و دبیر تشکیلات خارج کشور
- ۲- رحمان حسین زاده، دبیر کمیته کردستان
- ۳- آذر مدرسی مسئول تلویزیون انترناسیونال
- ۴- اسد گلچینی، دبیر کمیته کل کشور
- ۵- مریم نمازی، مسئول روابط بین المللی حزب
- ۶- فاتح بهرامی، سردبیر انترناسیونال هفتگی
- ۷- شهلا دانشفر، مسئول خزانه داری و دفتر مرکزی حزب

سایر پستهای هیات دبیران به تدریج به دفتر سیاسی معرفی خواهند شد.  
**دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران**  
۲۹ اسفند ۱۳۸۱، ۲۰ مارس ۲۰۰۳

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## درباره حمله آمریکا به عراق



علیه مردم عراق است. این جنگ را دیگر حتی نتوانستند بنام سازمان مللشان و یا جامعه بینالمللیشان انجام دهند. این جنگ آمریکا است. جنگ آمریکا علیه عراق، ادامه جنگ ۱۲ سال پیش خلیج، جنگی برای تعیین جایگاه آمریکا در ساختار قدرت دولت‌های سرمایه‌داری در جهان است. این جنگ برای تضمین یکتا قدرتی آمریکا در جهان است. آمریکا مردم دنیا را گروگان گرفته تا تسلیم منافع سرمایه‌داری آمریکا شوند. آمریکا بشریت متمن، انسانهای زحمتکش در سراسر جهان را هدف قرار داده است. قرار است سیل بمب و موشکهای کروز و عکس ارتش اوپاشان و مزدوران با توپ و تانک و هواپیما و زیر دریائی شان در کنار تل اجساد مردم زحمتکش عراق بشریت متمن را مرعوب کند. امروز مردم عراق برای عبرت سایرین به صلیب کشیده میشوند. هدف ارباب هر حرکت آزادیخواهانه در جهان و هر آرزو و آرمانی انسانی در جهان است. آرزو و آرمانهایی که بنا به تعریف با منافع آمریکا سازگار تشخیص داده نمیشود. این جنگی علیه بشریت است. و بشریت متمن در سراسر جهان علیه آن برخاسته است. این جنگ محکوم است و باید فوراً متوقف شود.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۰ مارس ۲۰۰۳

دولتهای سرمایه داری و در راس آنها آمریکا هیروشیما دیگری را تدارک دیده اند. جنگ علیه مردم عراق و کشتار صدها هزار انسان بیگناه، تنها یکی از جنایاتی است که دول سرمایه داری به آن افتخار میکنند. بوش و پلر، بن لادن و طالبان، شارون و صدام، خامنه ای و خاتمی، این آدمکشان حرفه ای، سران و شخصیت های امروز نظام سرمایه اند که حرمت و آزادی و امنیت و زندگی صدها میلیون انسان را گرو گرفته اند. در این نظام سهم اکثریت عظیم مردم کارگر و زحمتکش، که جهان

## ترکیب هیات دبیران حزب کمونیست کارگری ایران تعیین شد

مرگ بر جمهوری اسلامی!